

م در و نزوئلا؟

م در و نزوئلا در گام های پایانی است

ملی کرده بود.

بر اساس تاریخ رسمی وزارت خارجه آمریکا، سفیر آمریکا در لاپاز در ژوئن ۱۹۷۱ به واشنگتن می گوید که باید از مخالفان تورس حمایت کند. کاخ سفید به‌طور مخفیانه به‌دنبال ۴۱۰هزار دلار (معادل ۳ میلیون و سیصد هزار دلار امروز) که بسیاری از منتقدان داخل دولت آن را «پول کودتا» خطاب کردند برای حمایت مالی از رهبران نظامی و سیاسی مخالف تورس دریافت کرد.

دوماه بعد، هوگو بانرز، رهبر نظامی ارشد، کودتای موفقیت آمیزی را علیه تورس هدایت کرد. آمریکا به حمایت مالی از دولت بانرز ادامه داد و حکومت بانرز تا سال ۱۹۷۸ ادامه پیدا کرد. نزدیک به دو سال بعد، بانرز دوباره به قدرت بازگشت اما این بار با پیروزی در انتخابات سال ۱۹۹۷.

در شیلی سازمان سبا کمک‌های مالی لازم برای پایان دادن به ریاست‌جمهوری سالوادور آلنده، رهبر چپ‌گرای منتخب را تامین کرد. آلنده برنامه داشت شرکت‌های تولید مس شیلی با مالکیت آمریکایی‌ها را ملی کند. از کمک‌های مالی سبا برای حمایت از مخالفان آلنده و گسترش اظهارات ضدکمونیستی استفاده شد؛ امری که به کودتای نظامی ژنرال آگوستو پینوشه در سال ۱۹۷۳ منجر شد. آلنده پیش از آنکه دستگیر شود با سلاح AK-۴۷ خودکشی کرد؛ شک و شبهه‌ها درباره علت مرگ او تا دهه‌ها ادامه داشت تا اینکه سال‌ها یک کالبدشکافی مستقل خودکشی را تایید کرد. دیکتاتوری آگوستو پینوشه با حمایت آمریکا ۱۷ سال طول کشید

در سال ۱۹۷۵، سازمان سبا از دیکتاتوری نظامی راست‌گرا در ۶ کشور آمریکای لاتین از طریق ایجاد شبکه‌فراملی موسوم به عملیات کندور حمایت کرد. این موضوع با آغاز ریاست‌جمهوری جرال د‌فورد در آمریکا همزمان شد.

کشورهای هدف شامل آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، اروگوئه و پاراگوئه بودند. این عملیات با هدف سرکوب مخالفان سیاسی، چپ‌گرایان و سمپات‌های کمونیستی بود. دیکتاتورها از پایگاه‌های اطلاعاتی مشترک برای تحت‌نظر داشتن مخالفان و خانواده‌هایشان در سراسر مرزهای کشور استفاده کردند. تاکتیک‌های آنها شامل تبادل اطلاعات جاسوسی، زندانی‌ها و تکنیک‌های شکنجه بود. تحت «عملیات کندور»، ابتکار مشترک سازمان‌های آمریکای لاتین و دانشگاه آکسفورد، دست کم ۹۷ نفر کشته شدند.



▼ قصه از کجا شروع شد؟

این ماجرا ۹۱ روز پس از حمله روسیه به اوکراین شروع شد: پروازی حامل هیتی از نمایندگان آمریکایی به‌طور مخفیانه در فروگاه کاراکاس، پایتخت ونزوئلا نشست. آنها قرار بود با نیکولاس مادورو رو در رو دیدار کنند. رافائل رامیرز، وزیر نفت ونزوئلا که از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ روی کار بود به دوپچه‌وله می گوید: «زمانی که روسیه به اوکراین حمله کرد، نیکولاس مادورو از نفت به‌عنوان ابزاری برای افزایش نفوذ ونزوئلا در صحنه سیاسی جهان استفاده کرد. مادورو در جریان اطلاع‌رسانی از این دیدار با ایالات متحده، می‌خواست نشان دهد که ونزوئلا می‌تواند نفت روسیه را جایگزین کند.» نفت روسیه تحت تحریم‌های کشورهای غربی قرار داشت و جهان نگران افزایش قیمت نفت بود. جان بولتون به دوپچه‌وله می‌گوید کاخ سفید می‌خواست قیمت‌نفت را کاهش دهد: «دیدگاه (کاخ سفید) این بود که با وجود جنگ روسیه علیه اوکراین، اگر آنها بتوانند پیش از انتخابات ۲۰۲۲ نفت ونزوئلا ی بیشتری را وارد بازار کنند، بایدن از نظر سیاسی هیچ آسیبی نخواهد دید.» این اقدام یک چرخش تاریخی دیپلماتیک برای دیپلماسی آمریکا بود چون تقریباً ۲۶ سال است که آمریکا و ونزوئلا دشمنی سرسختانه‌ای با یکدیگر دارند.

ترامپ زمانی در سخنرانی خود در سازمان ملل گفت: «تقریباً سوسیالیسم و کمونیسم در همه‌جا رنج، فساد و تباهی به‌بار می‌آورد.» مادورو هم به ترامپ پیام داد که در ونزوئلا دخالت نکن. آمریکا برای سر مادورو جایزه‌ای ۱۵ میلیون دلار تعیین کرد و برای برکناری مادورو، این قهرمان انقلاب سوسیالیسم مصمم بود. ترامپ گفت که استبداد مادورو شکسته خواهد شد و از بین خواهد رفت. مخالفان مادورو، او را گورکن دموکراسی ونزوئلا می‌دانند. با وجود آنکه ونزوئلا کشوری ورشکسته است و تاکنون تلاش‌هایی برای ترور مادورو انجام شده اما او همچنان قدرت خود را حفظ کرده است. باوجود تحریم‌های جامعه جهانی، مادورو باید به متحدان خود، روسیه، چین و ایران و همچنین ذخایر بزرگ نفتی خود تکیه می‌کرد اما او زمانی که مغلوب به‌نظر می‌رسد دوباره مثل ققنوس از خاکستر بر می‌خیزد.

در سال‌های ۱۹۷۰ رویای آمریکایی در ونزوئلا در اوج خود قرار داشت. ذخایر نفتی، ونزوئلا را به ثروتمندترین کشور در آمریکای لاتین تبدیل کرده بود. مردم به ونزوئلا، عربستان سعودی آمریکای لاتین می‌گفتند. ونزوئلا بزرگترین صادرکننده نفت در جهان بود که به نیروی محرکه اقتصاد این کشور تبدیل شده بود. پیش از ۱۹۷۶، بیشتر نفت ونزوئلا تحت کنترل کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی مثل تگزیکو، اکسمن و شوران قرار داشت.

ویلیام براون فیلد، سفیر آمریکا در ونزوئلا در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ می‌گوید: «زمانی که برای اولین بار به ونزوئلا رفتم، می‌توانستم از پنجره آپارتمانم تانکرهای نفتی را ببینم که در رفت و آمد بودند. ونزوئلا روزانه ۳ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد و ماشین پول‌سازی عظیمی برای دولت ونزوئلا بود.» برای آمریکا ونزوئلا متحد باارزشی بود و ونزوئلا هم چاه‌های بیشتری برای رسیدن به نفت



استخراج می‌کرد. ونزوئلا ثروت عظیمی داشت اما توزیع این ثروت به‌شدت نابرابر بود. در کنار محله‌های بسیار ثروتمند، محله‌های فقیرنشین زیادی وجود داشت. برای اکثریت مردم فقر طاقت‌فرسا بود که گمان می‌رود دلیل خیزشی بود که بتواند سیستم را به‌زانو درآورد. ساعت انقلاب رسید و ژنرال هوگو چاوز هدایت آن را به‌دست گرفت. پس از تلاش ناکام برای کودتا، هوگو چاوز در سال ۱۹۹۸ در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شدو انقلاب سوسیالیستی خود را آغاز کرد. در این مسیر مردی دور از توجه‌ها به‌عنوان دست راست چاوز، در کنار او باقی ماند: نیکولاس مادورو، چاوز می‌خواست کشور را متحول کند و برای رسیدن به این پروژه جاه طلبانه خود بر نفت تکیه کرد. او یکی از همراهان نزدیک خود را در صدر صنعت نفت ونزوئلا قرار داد: رافائل رامیرز که بعدها به یکی از قدرتمندترین افراد ونزوئلا تبدیل شد. با پول نفت بیش از ۹ میلیون خانوار با خانه‌های ارزان قیمتی که چاوز ساخت، خانه‌دار شدند. افراد طبقه کارگر توانستند برای اولین بار وارد دانشگاه‌ها شوند. رامیرز به دوپچه‌وله می‌گوید: «ما توانستیم فقر را از ۷۰درصد به ۷درصد برسانیم که پیشرفت اجتماعی شگفت‌انگیزی بود.» هوگو چاوز سیاست جهانی را وارونه کرد. نیکولاس مادورو منصوبی وزارت امور خارجه شدو روابط نزدیکی را با کوبا، روسیه و ایران ایجاد کرد. در سال ۲۰۱۲، سرطان باعث شد تا چاوز، مادورو را به‌عنوان جانشین خود معرفی کند. چاوز سپس به کوبا رفت و دیگر در انتظار عمومی دیده نشد.

مادوروزندگی حرفه‌ای خود را در ابتدا به‌عنوان یک‌راننده اتوبوس و کار در یک شرکت حمل و نقل در کاراکاس آغاز کرد. او در محله‌ای از طبقه کارگر در کاراکاس بزرگ شد. رفتن به دانشگاه هیچ‌وقت در ذهن او جایی نداشت اما عضویت در حزب توانست او را نجات دهد. مادورو از نظر ایدئولوژیکی به کوبا نزدیک بود. او به بزرگترین دانش‌آموز کمونیسم کوبایی در ونزوئلا تبدیل شدو از روش‌های رژیم کاسترو در ونزوئلا استفاده می‌کرد. ژنرال مانوئل کریستوفر فیگوترا رئیس سرویس اطلاعات بولیوار یا سبین بود. او می‌گوید: «سازمان اطلاعات ملی بولیوار پلیس سیاسی است؛ نیروی پلیسی که مادورو از آن برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند. سبین برای مادورو مثل گشتاپو برای آدولف هیتلر بود.» مادورو از فیگوترا خواست تا دستگاه اطلاعاتی مخالفان دولت را تحت نظر داشته باشد: «او می‌خواست بداند که آنها در لحظه چه کارهایی انجام می‌دهند.» فیگوترا می‌گوید، مادورو گاهی به شوخی می‌گفت: «خب (فلانی) امروز صبح صبحانه چی خورد؟» مادورو ابزار لازم برای دسترسی به این اطلاعات را در اختیار فیگوترا قرار داده بود.

در سال ۲۰۱۸، ژنرال فیگوترا به پاسدار رژیم مادورو تبدیل شد؛ افسران فیگوترا از بازداشت‌های خودسرانه تا شکنجه استفاده می‌کردند و به نقض شدید حقوق بشر متهم بودند. اما ردیابی مخالفان رژیم مادورو تنها مسئولیت فیگوترا نبود. براون فیلد می‌گوید اعضای جنبش چاویستا (جنبش مردمی حامیان چاوز) احترامی برای مادورو قائل نبودند، افسران نظامی هم دیدگاه خوبی نسبت به او نداشتند. مادورو که به این باور رسید رامیرز، وزیر نفت، قدرت بسیاری کسب کرده و به رقیب او تبدیل شده، دستور بازداشتش را صادر کرد. رامیرز می‌گوید چون مادورو نمی‌توانست او را بازداشت کند بنابراین تلاش کرد با مصادره خانه‌اش، اجبار به تبعید و آزار و اذیت او و خانواده‌اش او را بی‌اعتبار کند. مادور حتی برادر رامیرز را که هیچ ارتباطی به سیاست نداشت، به‌مدت یک سال به زندان انداخت. رامیرز تنها فردی نبود که مادورو کنار زد؛ او بسیاری از نزدیکان چاوز را نیز برکنار کرد و نزدیکان خود در زمان صدارتش در وزارت امور خارجه را در رأس نهادهای کشور قرار داد.

در دسامبر ۲۰۱۶ ونزوئلایی‌ها برای شرکت در انتخابات پارلمانی به پای صندوق‌های رای رفتند. این رای‌گیری نتیجه دلخواه مادورو را نداشت. رئیس‌جمهور ونزوئلا اکثریت خود را در پارلمان از دست داد؛ امری که از زمان انقلاب در ونزوئلا رخ نداده بود اما مادورو کنار نرفت. خشم مردمی اعتراضاتی را در خیابان‌ها در پی داشت وصدها نفر از جوانان کشته شدند.

پس از آن مادورو و ونزوئلا از سوسی جامعه جهانی در انزوا قرار گرفت. زمانی که دولت اول ترامپ روی کار آمد جان بولتون به‌عنوان مشاور امنیت ملی برای برکناری مادورو مصمم شده بود. شدت برنامه تحریم‌هایی که بولتون بر ونزوئلا اعمال کرد، بی‌سابقه بود.

تحریم نفت و گاز ونزوئلا و مسدود کردن دارایی‌های دولت در خارج از کشور، ونزوئلا را دچار اختناق کرد. این مسترکلاسی از آمریکا در ایجاد ویرانی گسترده بدون شلیک یک گلوله بود. تحریم‌ها اقتصاد ونزوئلا را ورشکسته کرد و تورم به مرز انفجار رسید؛ به‌گونه‌ای که قیمت یک کیلو برنج به ۲/۵ میلیون بولیوار می‌رسید. کاراکاس هم بهشت بود هم جهنم. کمبودها منجر به غارت شد و هفت میلیون نفر کشور را ترک کردند. حتی قمارخانه‌ها که پس از انقلاب ممنوع شده بودند فعالیت خود را دوباره آغاز کردند.

تا امروز تحریم‌ها به‌تنهایی نتوانستند مادورو را از قدرت کنار بزنند. نیویورک تایمز اخیراً در گزارشی به نقل از چند منبع نزدیک به دولت ونزوئلا نوشته است که رئیس‌جمهور ونزوئلا در بحبویه تهدید فزاینده حمله نظامی آمریکا، تدابیر امنیتی شخصی خود را تشدید کرده، به‌طور مرتب مکان خواب و تلفن همراه خود را عوض می‌کند و به کوبا، متحد کلیدی خود تکیه کرده است. این منابع قضایی از تنش و نگرانی در حلقه داخلی رئیس‌جمهور را توصیف کرده‌اند و می‌گویند مادورو معتقد است همچنان کنترل اوضاع را در دست دارد و می‌تواند از آخرین و جدی‌ترین تهدید علیه حکومت ۱۲ ساله خود عبور کند. مادورو همچنین برای کاهش خطر خیانت، برای تامین امنیت شخصی خود نقش بیشتری به‌محافظان کوبایی محول کرده است و از افسران مبارزه با جاسوسی کوبایی بیشتری در ارتش ونزوئلا استفاده می‌کند. اگر مادورو بتواند با ترامپ به توافقی برسد شاید فشار از روی رئیس‌جمهور ونزوئلا کاسته شود اما در هر صورت تضعیف سیاسی که از انتخابات سال گذشته به‌بار آمده و بر حمایت مردمی از مادورو تاثیر گذاشته، جبران نخواهد شد.

سیاستمداران



شهرک‌سازی‌ها ادامه دارد

روزنامه عبری «یدیعوت آحارونوت» به نقل از یک سند داخلی دولتی افشا کرد که «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر اسرائیل در ماه جاری میلادی در نشست با حضور مقامات ارشد این رژیم از طرح‌های احداث ده‌ها شهرک کشاورزی که توسط شهرک‌نشین‌ها در کرانه باختری مدیریت می‌شوند، حمایت کرد، این در حالی است که به ظاهر او با صدور دستورالعمل‌هایی برای مسئولان امنیتی، از آنها خواسته تلاش‌های خود را جهت جلوگیری از خشونت شهرک‌نشین‌های صهیونیست گسترش دهند. در این سند توضیح داده شده است که «نتانیاهو به عنوان راهکاری برای جلوگیری از توسعه فلسطینی‌ها در منطقه «ج» که ۶۰درصد مساحت کرانه باختری تحت کنترل اسرائیل را تشکیل می‌دهد، از تداوم ساخت شهرک‌های بدون مجوز رسمی و بر خوردار از حمایت دولت و وزرای بلوک راست حمایت می‌کند.» همچنین طبق سند یادشده، این شهرک‌ها که غالباً زمین‌های کشاورزی نامیده می‌شوند، مجوز قانونی برای ساخت‌وساز را ندارند.



شام صلح وزیر جنگ

وزیر جنگ آمریکا در میانه مذاکرات صلح اوکراین در گفت‌وگویی بیان کرد که «شام ایده‌آل» از نظر او شامی با حضور «دونالد ترامپ»، «ولودیمیر زلنسکی» و «ولادیمیر پوتین» رؤسای جمهور آمریکا، اوکراین و روسیه است که «شام صلح» خواهد بود. بیت هگست این اظهارات را در یادکست «کیتی میلر» روزنامه‌نگار و یکی از افراد نزدیک به «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا مطرح کرد که در کانال یوتیوب میلر در دسترس است. وزیر جنگ آمریکا در پاسخ به این سوال که کدام سه نفر را به این شام ایده‌آل دعوت می‌کند، گفت: «فکر می‌کنم دونالد ترامپ، ولادیمیر پوتین و زلنسکی. این شامی برای صلح خواهد بود.» هگست افزود که این شام شامل سالادی با «سس روسی» خواهد بود. ترامپ در ۲۵ نوامبر تمایل خود را برای دیدار با پوتین و زلنسکی جهت نهایی کردن یک توافق صلح ابراز کرد. رئیس‌جمهور آمریکا خاطرنشان کرد که دیدار با رئیس‌جمهور روسیه ممکن است زمانی انجام شود که توافق در مراحل نهایی باشد.



واکنش‌السودانی به ادعای ترامپ

نخست‌وزیر عراق در واکنش به ادعای اخیر رئیس‌جمهور آمریکا تاکید کرد: «این دوستی‌ها هستند که ثبات و شکوفایی کشور ما را تضمین می‌کنند.» «محمدشیاع السودانی» نخست‌وزیر عراق روز گذشته در حساب کاربری خود در پلتفرم «ایکس» اعلام کرد: «از زمانی که مسئولیت را به دست گرفتم، تلاش کردم دوستی‌هایی را ایجاد کنم که در راستای خدمت به عراق باشند، از همان ابتدا متوجه شدم که روابط دوستانه و نه دشمنی ضامن ثبات، رشد و شکوفایی کشور ما است.» السودانی در پایان این پست خود نیز نوشت، «اول عراق.» نخست‌وزیر عراق این پست را بعد از اظهارات «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه «عراق به یک دوست تبدیل شده است» منتشر کرد. ترامپ همچنین ادعا کرده بود: «نخست‌وزیر عراق من را برای دریافت جایزه صلح نوبل معرفی کرد، او دوست من است و من را برای دریافت این جایزه معرفی کرد.»